



## درس اول عربی هشتم

الدرسُ الاول ( این خانه چه کسی است؟ برای شاعر ایرانی پروین اعتصامی)

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ (یادآوری درس‌های کتاب هفتم) صفحه ۱۲

سلام بر شما دانش آموزان به کلاس هشتم خوش آمدید.

حال شما چطور است؟ به سال تحصیلی جدید خوش آمدید.

خدا را شکر زیرا شما می‌توانید عبارتهای ساده را بفهمید.

التمرین الاول صفحه ۱۳

۱- این شاعر، ایرانی است.

۲- این پزشک زن، موفق است.

۳- آن بازیکن، برنده است.

۴- آن نویسنده زن، دانا است.

۵- این دو فروشنده مرد، سپاس گزارند.

۶- این دو دختر، بردبار هستند.

۷- این دوستان، ایستاده‌اند.

۸- آن مادران، نشسته‌اند.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.



التمرین الثانی صفحہ ۱۳



این زن کجا نشسته است؟  
فی الحدیقه (در باغ)



آیا این لباس است یا شلوار؟  
قمیص (پیراهن)



این چیست؟  
نافذة (پنجره)



چند عدد سنگ است؟  
ثلاثة



این شاعر کیست؟  
سعدی شیرازی



این خانه برای کیست؟  
پروین اعتصامی

التمرین الثالث صفحہ ۱۴



احد عشر لاعبین



خمسة الشهداء



ثمانية جنود



خمسة كتب



اثنا عشر شهراً



تسعة ألوان

التمرین الرابع صفحه ۱۵

- ۱- شما دوستتان را یاد کردید
- ۲- آنها فوتبال بازی کردند
- ۳- شما نامه نوشتید
- ۴- آنها در امتحانشان موفق شدند
- ۵- آنها با ایستگاه رسیدند
- ۶- آن دو زن کلیدشان را یافتند
- ۷- من برنج لذیذی پختم

التمرین الخامس صفحه ۱۶

السَّلَامُ عَلَيْكَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

(سلام بر تو و رحمت و برکات خدا بر تو باد)

كَيْفَ حَالُكَ؟ : أَنَا بِخَيْرٍ.

(حالت چطور است؟ من خوبم)

هَلْ أَنْتَ مِنَ الْعِرَاقِ؟ : لَا، أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ.

(آیا تو عراقی هستی؟ نه من اهل کویت هستم)

فِي أَمَانٍ اللَّهُ: مَعَ السَّلَامَةِ، إِلَى اللِّقَاءِ.

(در پناه خدا. به سلامت به امید دیدار)

صَبَاحَ الْخَيْرِ: صَبَاحَ النُّورِ.

(صبح بخیر-صبح سمیرا است)

مَا اسْمُكَ؟ : إِسْمِي سَمِيرَةٌ.

(اسمت چیست؟ اسمم سمیرا است)

أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟ : هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.

(خانواده‌ات کجاست؟ آنها آنجا نشسته‌اند.)

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





التمرین السادس صفحہ ۱۷



الْعِنَبُ الْأَسْوَدُ (انگور سیاه)



الرُّمَّانُ الْأَحْمَرُ (انار قرمز)



التَّفَاحُ الْأَخْمَرُ (سیب سبز)



الْبَحْرُ الْأَزْرَقُ ( ابر سفید)



السَّحَابُ الْأَبْيَضُ ( دریای آبی)



الْوَرْدُ الْأَصْفَرُ (گل زرد)

التمرین السابع صفحہ ۱۸

يَوْمُ السَّبْتِ	الْعَرَبِيَّةُ	الرِّيَاضَةُ	الْفَارِسِيَّةُ
يَوْمُ الْأَحَدِ	الرِّيَاضِيَّاتُ	الْعُلُومُ الْجَمَاعِيَّةُ	التَّرْبِيَّةُ الدِّينِيَّةُ
يَوْمُ الثَّلَاثِ	الْعُلُومُ الْجَمَاعِيَّةُ	تَعْلِيمُ الْقُرْآنِ	التَّفَكُّرُ وَ أَسْلُوبُ الْحَيَاةِ
يَوْمُ الْاَلثَلَاثاءِ	الْعُلُومُ التَّجْرِبِيَّةُ	الرِّيَاضِيَّاتُ	الْعَمَلُ وَ التَّقْيِيَّةُ
يَوْمُ الْاَلرَبِعاءِ	الْجَلِيزِيَّةُ	الْمَلَأُ	الثَّقَافَةُ وَ الفَنُّ



التمرین الثامن صفحه ۱۸



الْشَّتَاءُ (زمستان)

الْخَرِيفُ (پاییز)

الْصَّيْفُ (تابستان)

الرَّبِيعُ (بهار)

التمرین التاسع صفحه ۱۹

(الف)

أُمٌّ = وَالِدَةٌ

بَيْتٌ = مَنْزِلٌ

حَزِينٌ ≠ قَرِيحٌ

ذَهَبٌ ≠ رَجَعٌ

أَبٌ = وَالِدٌ

خَلْفٌ = وَرَاءَ

عُدْوَانٌ = دَاوَةٌ

كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ

قَرِيبٌ ≠ بَعِيدٌ

جَمِيلٌ ≠ قَبِيحٌ

بُسْتَانٌ = حَدِيقَةٌ

أُمْسٌ ≠ عَدٌ

(ب)

قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ

بِدَايَةٌ ≠ نِهَائَةٌ

تَحْتٌ ≠ فَوْقٌ

آخِرٌ ≠ أَوَّلٌ

سَوْءٌ ≠ حُسْنٌ

يَمِينٌ ≠ يَسَارٌ

حَارٌّ ≠ بَارِدٌ

جَالِسٌ ≠ وَاقِفٌ

عِيشٌ = حَيَاةٌ

ارْزَلٌ ≠ اِفْضَلٌ

صِدَاقَةٌ ≠ عِدَاوَةٌ

التمرین العاشر صفحه ۱۹

۱- مَلَكٌ

۲- شَعْرَةٌ

۳- وَرَاءَ

۴- رَجُلَانِ

۵- هَرَبٌ

۶- وَرْدَةٌ

۷- صَوْرَةٌ

۸- رُبٌّ

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





## التمرین الحادی عَشْرَ صفحہ ۲۰

۱-الافستان ۲-الذهب ۳-سبعة ۴-حديقة ۵-الجدة

## التمرین الثانی عَشْرَ صفحہ ۲۰

مثنیٰ مذکر	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
یومان	واقفین	شجرات	کتب
غرابین	فائزون	جالسات	أشجار

## التمرین الثالث عشر صفحہ ۲۱

۱- هشت	۲- ماه	۳- رسید	۴- هفته	۵- ستاره	۶- کاش
۷- نرفتیم	۸- راه	۹- تنهاییم	۱۰- تور	۱۱- آتش	۱۲- همه
۱۳- شهر	۱۴- نخوردیم	۱۵- ستاره	۱۶- کلاس	۱۷- کشتی	۱۸- ماهی
۱۹- سرخ	۲۰- کمک	۲۱- بود	۲۲- نزد	۲۳- در	۲۴- تابستان
۲۵- درد	۲۶- دیدم				

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





### درس دوم عربی هشتم

أَهَمِّيَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ( اهمیت زبان عربی ) صفحه ۲۵ و ۲۶

ستایش خدایی را که پروردگای جهانیان است برای اینکه ما در سال گذشته موفق شدیم و می‌توانیم عبارتها و متن‌ها و متن‌های ساده عربی را بخوانیم.

ما به یادگیری زبان عربی نیاز داریم برای اینکه آن زبان دین ماست و زبان فارسی با آن بسیار آمیخته است. همانا زبان عربی از زبان‌های عربی است.

قرآن و احادیث (به زبان عربی آشکار است)

عربی از زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد است.

ایرانیان به زبان عربی بسیار خدمت کرده‌اند. «فیروز ابادی» لغت نامه‌ای به زبان عربی نوشته است که نام آن

«القاموسُ الْمُحِيطُ» و «سَبَّوْئِيَه» اولین کتاب کامل در دستور زبان عربی نوشته است که اسم آن «الکتاب» است.

بیشتر اسم‌های دختران و پسران در جهان اسلامی عربی است.

کلمات عربی در فارسی زیاد است و این بخاطر احترام ایرانیان به زبان قرآن است.

من معنی کلمات زیادی را می‌دانم و همه کلمات سال گذشته را به یاد می‌آورم و می‌توانم متن‌های ساده را بخوانم.

در مثال‌ها آمده است:

علم در کودکی مانند نقاشی در سنگ است.

ای برادرم آیا تو معنی کلمات اول را می‌دانی؟

ای خواهرم آیا تو معنی آیات و احادیث ساده را می‌فهمی؟





## فعل مضارع (۱) صفحه ۲۷



شما قرآن را با دقت  
حفظ می کنید



شما قرآن را به خوبی  
حفظ می کنید



با مداد قرمز می نویسم



من با مداد سیاه می نویسم

## ترجمه کنید صفحه ۲۸

می روم	أَذْهَبُ	رفتم	ذَهَبْتُ
می سازم	أَصْنَعُ	ساختم	صَنَعْتُ
می دانی	تَعْلَمُ	دانستی	عَلِمْتَ
می کاری	تَزْرَعُ	کاشتی	زَرَعْتَ
می شناسی	تَعْرِفِينَ	شناختی	عَرَفْتَ
قبول می کنی	تَقْبَلِينَ	قبول کردی	قَبِلْتَ

## التمرین الاول صفحه ۲۸

- ۱- اسم‌های دختران و پسران کمی در جهان اسلامی، عربی است. نادرست
- ۲- سیبویه اولین کتاب کامل در دستو زبان فارسی نوشت. نادرست
- ۳- فیروز ابادی لغت نامه‌ای در زبان عربی نوشت. درست
- ۴- ایرانیان در زبان عربی کم خدمت کردند. نادرست



التمرین الثانی صفحه ۲۹



آیا با خواهرت می‌روی؟  
نه با دوستم می‌روم



آیا صندلی می‌سازی؟  
نه میز می‌سازم.



ای خانم، چه کار می‌کنی؟  
آیاتی از قرآن را می‌خوانم



چه کار می‌کنی ای پسر؟  
به عکس نگاه میکنم

التمرین الثالث صفحه ۳۰

مَوْتُ الْأَحْيَاءِ: **الْجَهْلُ**  
الْوَقْتُ مِثْلُهُ: **الذَّهَبُ**

بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِيهِ: **اللِّسَانُ**  
نِصْفُ الدِّينِ: **حُسْنُ الْخُلُقِ**  
الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِهِنَّ: **الْأُمَّهَاتُ**

التمرین الرابع صفحه ۳۰

- ۱- و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم.
  - ۲- تو حرف پدرت را قبول کرده‌ای و الان به آن عمل می‌کنی.
  - ۳- تو سوره نصر را حفظ کرده‌ای و اکنون سوره قدر را حفظ می‌کنی.
  - ۴- من به کلاس دوم وارد شده‌ام و تو وارد کلاس اول می‌شوی.
- فعل ماضی: **جَعَلْنَا**  
فعل مضارع: **تَعْمَلُ**  
فعل ماضی: **قَبِلْتَ**  
فعل مضارع: **تَحْفَظِينَ**  
فعل ماضی: **حَفِظْتَ**  
فعل مضارع: **تَدْخُلُ**  
فعل ماضی: **دَخَلْتُ**

التمرین الخامس صفحه ۳۱

- ۱- آیا تو دو دقیقه قبل درب را کوبیدی؟ **طَرَقْتَ**
- ۲- من در زندگی به دنبال راه بهشت می‌گردم. **أَبْحَثُ**
- ۳- ای آهنگر آیا دیروز تو در کارگاه کار کردی؟ **عملت**

۴- ای خواهرم آیا غذا خوردی یک دقیقه پیش؟ **أَكَلْتِ**

۵- آیا تو بعد از دو روز جمع کردن میوه ها را شروع می کنی؟ **تَبَدَّيْنِ**

التمرین السادس صفحه ۳۱

نَظَرَ: نگاه کرد	أَنْظُرُ	نگاه می کنم	تَنْظُرُ	نگاه می کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می کنی
سَأَلَ: پرسید	أَسْأَلُ	می پرسم	تَسْأَلُ	می پرسی	تَسْأَلِينَ	می پرسی
سَمَحَ: اجازه داد	أَسْمَحُ	اجازه می دهم	تَسْمَحُ	اجازه می دهی	تَسْمَحِينَ	اجازه می دهی
ذَكَرَ: یاد کرد	أَذْكُرُ	یاد می کنم	تَذْكُرُ	یاد می کنی	تَذْكُرِينَ	یاد می کنی

التمرین السابع صفحه ۳۲

حالت چگونه است؟	حالت چگونه است؟	أنا بخير (من خوبم)
اسمت چیست؟	اسمت چیست؟	اسمی مریم (نامم مریم است)
تو کی هستی؟	تو کی هستی؟	أنا طالبة ( من دانش آموز هستم)
تو کجا هستی؟	تو کجا هستی؟	في المدرسة ( در مدرسه)
آیا تو اهل کرج هستی؟	آیا تو اهل کرج هستی؟	لا (نه)

كُنْ الْحِكْمَةَ صفحه ۳۲

۱- لِكُلِّ... هر چیزی راهی دارد و راه بهشت علم است.

۲- أَلْعِلْمُ... علم برتر از عبادت است.

۳- زَكَاتُهُ... زکات علم گسترش آن است.

۴- مَنْ سَأَلَ... هرکس پرسید، دانست.

۵- مَنْ كَتَمَ... هرکس علم را پنهان کند گویی که جاهل است.







الاربعینیات (مکالمه اربعین) صفحه ۳۴

(اجاره اتاق در کربلا)

خدا شما را کمک کند(خسته نباشی)

- آیا اتاقی دارای سه تخت دارید؟

- آیا در طبقه اول ندارید؟

- بسیار خوب می خواهیم اتاق را ببینیم.

- اجاره اش چقدر است؟

- آیا ممکن است تخفیف بدهید؟

- سه شب

- کارت شناسایی شما کجاست؟

- این کارت های ماست.

- زنده باشی

- بله ما در طبقه چهارم داریم.

- نه نداریم اما آسانسور موجود است.

- اشکالی ندارد این کلید اتاق است.

- تابلوی اجاره‌ها مقابلتان است.

- خیر زیرا قیمت توسط دولت از قبل تعیین شده است.

- چند شب در کربلا هستید؟

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





درس سوم عربی هشتم

مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ (شغلت در آینده) صفحه ۳۷ و ۳۸

معلم وارد کلاس شد و گفت درس امروز در مورد شغل آینده است کدام شغلی را دوست داری؟

صادق: من کشاورزی را دوست دارم زیرا آن برای پیشرفت کشور کار مہی است. مهندس کشاورزی خواهم شد.

ناصر: من کتاب فروشی را دوست دارم زیرا کتابها گنج هستند. رسول خدا در مورد آنها فرموده است: کتابها باغ های دانشمندان هستند.

قاسم: مخترع خواهم شد تلفن همراه جدیدی خواهم ساخت.

منصور: من ورزش را دوست دارم. من بازیکن ممتازی (معروفی) در فوتبال هستم.

امین: من چشم پزشکی را دوست دارم برای خدمت به مردم پزشک خواهم شد.

دانش آموزان صاحبان شغلها را ذکر کردند مانند معلم و نانوا و پلس و شیرینی فروش و فروشنده و پرستار و آهنگر و ...

معلم: هدف شما از انتخاب شغل چیست؟

عارف: خدمت به مردم. زیرا هر یک از ما به یکدیگر نیاز داریم.

معلم: کدام شغل مهم است؟

حامد: هر شغلی مهم است و کشور به هر شغلی نیاز دارد.

معلم: ما باید به همه شغلها احترام بگذاریم

رسول خدا فرموده است: بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.

بدانیم صفحه ۳۹

-تو مریض را معاینه خواهی کرد

-من کار خواهم کرد

-تو (مذکر) خوشحال خواهی شد



الفعل المضارع صفحة ٣٩



من معلم شیمی هستم  
درس را برای دانش آموزان توضیح میدهم.



من نانوا هستم از ساعت  
پنج صبح نان میپزم



تو (مونث) پزشک هستی.  
بیماران را با وقت معاینه می کنی.



تو (مذکر) پلیس هستی  
امنیت کشور را حفظ می کنی

التمرین الاول صفحة ٤٠

١- الکتب بساتین العلما

٣- مهتک فی المستقبل

٥- کل مهنة مهمه

٢- خدمة للناس

٤- سآصیر طبیباً

التمرین الثانی صفحة ٤٠



تو کشاورزی کوشا هستی  
برنج را درو می کنی



تو پزشکی کوشا هستی  
و بیماران را معاینه می کنی.



من نجار هستم  
صندلی چوبی خواهم ساخت.



من آشپز هستم  
غذایی لذیذ خواهم پخت.



التمرین الثالث صفحہ ۴۱

- ۱- تو اهنگر هستی درب ها و پنجره ها را می سازی. (تَصْنَعُ: مضارع)
- ۲- من سرباز هستم پرچم وطنم ایران را بالا می برم (ارفع: مضارع)
- ۳- من پرستار هستم به مردم خدمت می کنم. (أَخْدِمُ: مضارع)
- ۴- من تورا نصیحت می کنم که بروی نزد چشم پزشک (انصح و تذهب: مضارع)
- ۵- تو در امتحانات نهایی امسال قبول خواهی شد (تنجحین: مضارع)

التمرین الرابع صفحہ ۴۲



مُعرضة (پرستار)



فلاحة (کشاورز)



کاتب (نویسنده)



سائق (راننده)



خبّاز (نانوا)



مدرسة (معلم)



حداد (آهنگر)



طبيبة (پزشک مونث)



خياطة (خياط)





طباخة (آشپز)



نجّار (نجار)



حلوانی (شیرینی فروشی)

التمرین الخامس صفحه ۴۳

فی الصف الثامن	۱- تو در کدام کلاس هستی؟
من ایران (در ایران)	۲- اهل کجا هستی؟
نعم (بله)	۳- آیا زبان عربی را می‌شناسی؟
ثلاثة	۴- چند کتاب
فی جنوب ایران (در جنوب ایران)	۵- خلیج فارس در کجاست؟

كُنْزُ الْحِكْمَةِ صفحه ۴۴

- ۱- ارزش انسان به عقل اوست.
- ۲- عقل، شمشیری برنده است.
- ۳- عقل حفظ تجربه‌هاست.
- ۴- عقل نتیجه مدارا کردن با مردم است.
- ۵- نهایت عقل، اعتراف به نادانی است.

تحقیق کنید صفحه ۴۴

الصیدلی: داروساز

المُمثل: بازیگر

السائق : راننده





اربعینات (مکالمه اربعین) صفحه ۴۶

(رفتن به نجف اشرف)

- می خواهیم به نجف اشرف بروم.
- با اتوبوس می روم
- با کی آمدی؟
- چه موقع به حرم می رسیدیم؟
- چند بار در مسیر پیاده روی اربعین حاضر شدی؟
- نصیحت می کنم تو را که به وادی السلام بروی؟
- از بزرگترین قبرستان های جهان است که
- در آن مرقد بعضی پیامبران است.
- حضرت هود و حضرت صالح (ع)
- آیا با اتوبوس می روی یا با تاکسی؟
- ایستگاه اتوبوس ها مقابلت است
- با خانواده خودم و خانواده عمه و خاله ام
- ساعت نه و نیم می رسیدیم
- یکبار حاضر شدم
- نمی دانم وادی السلام چیست؟
- کدام پیامبر در آنجا مدفون هستند؟

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





## درس چهارم عربی هشتم

التَّجْرِبَةُ الْجَدِيدَةُ (تجربه جدید) صفحه ۴۹ و ۵۰

اسب کوچکی با مادرش در روستایی بود. مادر اسب به پسرش گفت: ما با انسان زندگی می‌کنیم و به او خدمت می‌کنیم بنابراین از تو می‌خواهم این خرجین را به روستای مجاور ببری.

او خرجین را برمی‌دارد و به روستای مجاور می‌رود.

در راهش رودخانه‌ای را می‌بیند. اسب می‌ترسد و از گاوی که کنار رودخانه ایستاده می‌پرسد:

آیامی توانم عبور کنم؟

گاو می‌گوید: بله رودخانه عمیق نیست.

سنجاب حرف آنها را می‌شنود و می‌گوید: نه ای اسب کوچک تو در اب غرق خواهی شد. این رودخانه واقعا عمیق است. باید برگردی، آیا می‌فهمی؟

پسر اسب حرف دو حیوان را می‌شنود و باخودش می‌گوید: وای خدای من چه کار کنم؟

پس به طرف مادرش برمی‌گردد و به دنبال راه حل می‌گردد.

مادر از او می‌پرسد: برای چه برگشتی؟

اسب قصه را شرح می‌دهد و مادر حرفش را می‌شنود. مادر از پسرش می‌پرسد:

نظر تو چیست؟ آیا می‌توانی عبور کنی یا نه؟ چه کسی راست می‌گوید؟ چه کسی دروغ می‌گوید؟

اسب کوچک سوالش را جواب نداد اما او بعد از دو دقیقه گفت:

گاو راست می‌گوید و سنجاب همچنین راست می‌گوید گاو بزرگ است و سنجاب کوچک است. هر کدام از آنها نظر خودش را می‌گوید. موضوع را فهمیدم.

اسب کوچک حرف مادرش را می‌فهمد و به رودخانه می‌رود. گاو و سنجاب را می‌بیند که مشغول ستیز و جدل هستند.

گاو: من راست می‌گویم و تو دروغ می‌گویی.



سنجاب: نه من راست می گویم و تو دروغ می گویی.

اسب به راحتی از رودخانه عبور می کند. پس بر میگردد و بخاطر تجربه جدید خوشحال می شود.

رسول الله: ساعتی فکر کردن از هفتاد سال عبادت بهتر است.

فعل مضارع (۲) صفحه ۵۱



ما به خانه خدا

می رویم



ما قرآن می خوانیم.



آن زن با خانواده اش

سود می رساند.



این پسر کوچک با

ماشینش بازی میکند.

فن ترجمه صفحه ۵۳

۱- تو روی زمین می نشینی و مادرت روی صندلی می نشیند.

۲- خواهرم به من میگوید: ای برادرم آیا تو حق می گویی؟

التمرین الاول صفحه ۵۳

۱- مادر اسب از پسرش بردن خرجین پر از طلا را خواست. **نادرست**

۲- مادر اسب گفت گاو بزرگ و سنجاب کوچک است. **نادرست**

۳- گاو به اسب گفت: تو در رودخانه غرق می شوی. **نادرست**

۴- سنجاب و گاو در حرفشان صادق بودند. **درست**

۵- اسب به راحتی از رودخانه عبور کرد. **درست**



التمرین الثانی صفحه ۵۴



ما برای حفظ نظافت طبیعت به کوه می‌رویم

این زن قبرهای شهدا را میشوید

این مرد قبرها را میشوید

التمرین الثالث صفحه ۵۵

- ۱- و کسی که سپاسگزاری می‌کند، پس همانا از خودش سپاسگزای می‌کند. **يَشْكُرُ** **يَشْكُرُ**
- ۲- آیا تو چوب‌ها را جمع می‌کنی یا خواهرت جمع می‌کند؟ **تَجْمَعُ** **تَجْمَعُ**
- ۳- پدر بزرگم از ما کمک نخواست و مادر بزرگم کمک می‌خواهد. **تَطْلُبُ**
- ۴- پدرمان در کارخانه کار می‌کند و مادرمان در کتابخانه کار می‌کند. **تَعْمَلُ** **تَعْمَلُ**

التمرین الرابع صفحه ۵۵

سَوْفَ نَفْتَحُ: باز خواهیم کرد

سَيَسْأَلُ: خواهد پرسید

مَا قَدَّرْتَ: نتوانستی

شَرَبَ: می‌نوشیم

سَأَفْهَمُ: خواهیم فهمید

تَطَّرْتُ: می‌کوبد.

التمرین الخامس صفحه ۵۶

- ۱- آیا آن معلم را می‌شناسی ای برادرم؟ **تَعْرِفُ**
- ۲- آیا تو می‌روی بسوی آزمایشگاه تنهایی ای خواهرم؟ **تَذْهَبِينَ**
- ۳- ما سه روز پیش به باغ رفتیم. **ذَهَبْنَا**
- ۴- من هفته آینده به سرزمینم بازخواهم گشت. **أَرْجِعُ**
- ۵- دانا به چپ و راست نگاه می‌کند و سپس از خیابان عبور میکند. **يُنْظَرُ**





## التمرین السادس صفحه ۵۶

۱- خانهات کجاست؟	خانهات کجاست؟	فی شارع المدرس
۲- آیا تو در کتابخانه هستی؟	آیا تو در کتابخانه هستی؟	لا
۳- در دستت چیست؟	در دستت چیست؟	کتاب
۴- آیا مدیر مدرسه را می شناسی؟	آیا مدیر مدرسه را می شناسی؟	نعم
۵- در مدرسهات چند صف است؟	در مدرسهات چند صف است؟	تِسعة

## كَنْزُ الْحِكْمَةِ صفحه ۵۷

- ۱- لا خَيْرَ... فایده ای نیست در سخن مگر در کار
- ۲- اَلسُّكُوتُ... سکوت طلا و سخن نقره است
- ۳- اَكْثَرُ... بیشتر خطاهای ادبی زاد در زبانش است
- ۴- اَلْكَلامُ... سخن مانند دارو است، کمش سود میرساند و زیادش کشنده است
- ۵- غَضَبٌ... خشم نادان در سخنش و خشم دانا در کارش است

## حوار بين زائرين في طريق كربلاء (گفتگو بين زائران در راه كربلا) صفحه ۵۹

- زائر ایرانی: آیا تو می دانی کی به كربلا می رسیم؟  
 زائر عراقی: بله یک ساعت دیگر. آیا تو از ایران آمدی؟
- زائر ایرانی: بله من از ایران هستم  
 زائر عراقی: و از کدام شهر؟
- زائر ایرانی: از شهر قم هستم. آیا تو هم به ایران آمده‌ای؟  
 زائر عراقی: بله دوباره به ایران آمده‌ام و شهرهای مقدس را دیدم.
- زائر ایرانی: سفرتان به ایران چگونه بود؟  
 زائر عراقی: خوب بود همانا ملت ایران ملت مهماندوستی هستند.
- زائر ایرانی: و همچنین ملت عراق ملت مهماندوستی هستند.  
 زائر عراقی: الحمدلله آیا به كربلا می روی؟
- زائر ایرانی: بله من پیاده می روم از نجف به كربلا.  
 زائر عراقی: تو مهمان عزیز ما هستی در
- موکب امام رضا(ع) تا برگردی
- زائر ایرانی: خوشا به حال مردم عراق برای این مهمان‌نوازی  
 زائر عراقی: ما در خدمت دوستداران اهل بیت هستیم.





درس پنجم عربی هشتم

الصدّاقَة (دوستی) صفحه ۶۳ و ۶۴

آسرین دانش آموزی در کلاس دوم متوسطه است. او از سنندج به تهران آمده است. او دانش آموز جدیدی در مدرسه است و مدت دو هفته تنها ماند.

در هفته سوم در روز شنبه یکی از هم شاگردی هایش به اسم آیلار به سوی او آمد و در حیاط مدرسه با او شروع به گفتگو کرد.

الحوارُ بَيْنَ الطالِبَتَيْنِ آیلار و آسرین

(گفتگو بین دو دانش آموز آیلار و آسرین)

-حالت چطوره؟ - خداروشکر خوبم و تو چطوری؟

-من خوبم. اسم تو چیست؟ - اسم من آسرین است.

-اسم زیبایی است معنی آن چیست؟ - آسرین به کردی به معنی اشک است و اسم تو چیست؟

-اسم من آیلار است. -معنی اسم تو چیست؟

-آیلار به ترکی به معنی ماه است. -اسم واقعا زیبایی است و معنی آن نیز زیباست.

-تواهل کدام شهر هستی؟ -من سنندجی هستم. آیا تو تهرانی هستی؟

-نه من تبریزی هستم و ساکن اینجا هستم. -پس تو همچینین مثل من هستی.

-برای چه به تهران آمدید؟ -برای اینکه پدرم در ماموریت اداری است.

-چند سال پدرت در ماموریت است؟ -دو سال

-خانه تان کجاست؟ -در میدان خراسان

-عجیب است خانه ما در همان جاست. -آیا راست می گویی!؟

-بله البته کی آمدید؟ -ماه قبل آمدیم.

-پس ما همسایه و همکلاسی هستیم. -پس چطور تالان تورا ندیده ام؟

-عجیب است. شغل پدرت چیست؟ -اومهندس است.

همکلاسی پر از گام به گام های به روز و خفنه ، برای دانلود گام به گام سایر دروس به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید

- آیا خانه ما می آیی؟

- باکمال میل

- کی؟

- بعد از اینکه پدرم به من اجازه دهد و مادرم بپذیرد.

- و آیا پدرت می آید؟ و مادرت می آید؟

- اگر خدا بخواهد. از ایشان خواهم پرسید.

\* تنها کسی است که دوستی نداشته باشد.

الفعل المضارع (يَفْعَلُ، تَفْعَلُ)، (نَفْعَلُ) صفحه ۶۵



این زرافه آب می نوشد.



این گنجشک آب می نوشد



ما در آزمایشگاه کار می کنیم.



ما فوتبال بازی می کنیم.

فن ترجمه صفحه ۶۶

ترجمه جملات:

ما به آنها ستم نکردیم ولی آنها به خودشان ستم کردند.

آن چیز چیست که در دست توست؟



التمرین الاول صفحه ۶۷

- ۱- چرا خانواده اسرین به تهران آمدند؟ برای ماموریت اداری (لِمَهْمَةٍ اِدَارِيَّة)
- ۲- چند هفته اسرین تنها بود؟ دو هفته (اِسْبوعَيْن)
- ۳- اسرین در کدام کلاس بود؟ در کلاس دوم (فِي الصَّفِّ الثَّانِي)
- ۴- خانه اسرین و آیلار کجاست؟ در میدان خراسان (فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ)
- ۵- آیا اسرین اهل تبریز است؟ نه او اهل سنندج است. (لَا؛ هِيَ سِنْدَجِيَّة)

التمرین الثانی صفحه ۶۷



ما به خانه مان می رویم.



ما از کوه بالا می رویم.

التمرین الثالث صفحه ۶۸

- ۱- دست-چشم-صورت-همسایه (جَار)
- ۲- ماهی-میدان-خیابان-راه (سَمَكَةٌ)
- ۳- هفته-نان-ماه-سال (خُبْز)
- ۴- گاو-اسب-شغل-کلاغ (مِهْنَةٌ)
- ۵- نجار-شیرینی فروش-راننده-ورزش (رِیَاضَةٌ)
- ۶- در-پنجره-نامه-دیوار (رِسَالَةٌ)
- ۷- سیب-لیخند-انگور-انار (اِبْتِسَام)
- ۸- نقره-شنبه-سه شنبه-پنج شنبه (الْفِضَّة)



## التمرین الرابع صفحه ۶۸

شغل=شغل	آمد=آمد	باغ ها=باغ ها	آینده ≠ گذشته
فروش ≠ خرید	راست می گوید ≠ دروغ می گوید	دید = دید	شب ≠ روز
خوب=خوب	دانا ≠ نادان	بزرگ ≠ کوچک	قیمت=قیمت

## التمرین الخامس صفحه ۶۸ و ۶۹

۱- نادان دروغ می گوید و عاقل راست می گوید.

۲- من دیروز رفتم و تو فردا خواهی رفت.

۳- ای همکلاسی ام این چراغ چیست؟ من از قبل آن را دیدم

۴- تو ساعتی پیش برگشتی و ما یک ساعت بعد بر خواهیم گشت.

۵- مادرم غذایی خوشمزه خواهد پخت و ما آن را خواهیم خورد.

## کنز الحکمه (گنج حکمت) صفحه ۶۹

۱- دانشمندان چراغ های زمین هستند.

۲- دانش گنجینه هایی است و کلید آن پرسیدن است.

۳- براستی دانش زنده کننده دل هاست و روشنی بخش دیده ها.

۴- داناترین مردم کسی است که دانش مردم را در کنار دانش خود گرد آورد.

۵- دانش بهتر از مال است زیرا دانش از تو پاسبانی می کند ولی تو از مال پاسبانی می کنی.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.







اسعار النقود فی العتبات المقدسة (قیمت پول در بقاع متبرکه) صفحه ۷۰

- می خواهم پولم را به دینار تبدیل کنم
- خوش آمدید ای زائر؟
- چگونه تبدیل پول می کنی؟
- قیمت‌ها نوشته شده است بر این تابلو
- آیا قیمت‌ها در هر بازار یکی است؟
- قطعاً قیمت‌ها ثابت است
- در بازار صرافها که می گردم سپس برمی گردم
- بعد از چند دقیقه
- نزد تو برگشتم ای برادرم
- عیبی ندارد. شما آزاد هستید من در خدمت زائران هستم
- تومان دارم
- من در خدمت هستم چه داری؟ یورو یا تومان.
- من به شما می گویم چقدر هزینه کنید

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.



درس ششم عربی هشتم

فی السَّفَر (درسفر) صفحه ۷۳ و ۷۴

خانواده آقای فتاحی از کرمان به عراق برای زیارت شهرهای مقدس نجف اشرف کربلا و کاظمین و سامرا در کاروان زیارتی مسافرت کردند آنان نخستین بار با هواپیما و دومین بار با اتوبوس مسافرت کردند آقای فتاحی کارمند است خانمش پرستار است این خانواده شش پسر دارد.

حوار بَيْنَ الْأَسْرَةِ (گفتگو بین خانواده)

آقای فتاحی: ای پسران من کجا می روید.  
 آقای فتاحی: ای دخترهای من کجا می روید.  
 یکی از پسرها: ای پدرم و مادرم کجا میروید؟  
 - چه کسی مریض است؟  
 پسر ها: به زیارت مرقد امام حسین (ع) می رویم.  
 دختران: با برادرانمان به زیارت می رویم  
 پدر: به درمانگاه می رویم .  
 - مادران سردرد دارد؟

حوار فی الْمُسْتَوْصَفِ (گفتگو در درمانگاه)

پزشک: اسم مریض چیست؟  
 پزشک: فاطمه خانم تو را چه شده است؟  
 - چند سال داری؟  
 - آیا فشار خون یا بیماری قند داری؟  
 - نسخه برایت می نویسم.  
 - قرص های مسکن و شربت.  
 - در هر روز سه تا قرص صبح ظهر و شب  
 - و شربت در هر روز دوبار  
 آقای فتاحی: فاطمه خانم  
 فاطمه خانم: سرم درد میکند.  
 - چهل سال.  
 - فقط سرم درد میکند.  
 - چه چیزی در نسخه مینویسی؟  
 - طریقه استفاده اش چیست؟



آیا این مجاهد را می شناسید؟  
بله اورا می شناسیم او شهید موسوی است.



ای مرد ها چه می خورید؟  
غذای افطاری می خوریم.



کجا کتاب می خوانید؟  
در کتابخانه آن را می خوانیم.



ای خانم ها چه می خورید؟  
غذای افطاری می خوریم.



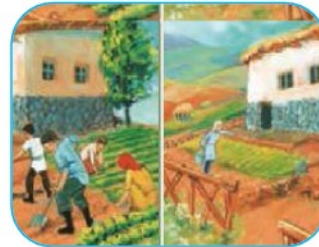
ای دختر ها چه می کنید؟  
با هم به خانه مان برمی گردیم.



ای پسران چه کار می کنید؟  
با هم بازی می کنیم.



ای بچه ها به کجا می روید؟  
به خانه مادر بزرگمان می رویم



ای خانواده چه می کنید؟  
در مزرعه مان کشاورزی می کنیم

بدانیم صفحه ۷۷

پاسخ سوال:

چون در زبان فارسی فقط صیغه های مفرد و جمع داریم و مثنی نداریم.  
و در زبان فارسی فعل ها در مذکر و مؤنث بودن برابند ولی در عربی اینطور نیست.

فن ترجمه صفحه ۷۸

بخش ۱:



چرا بیرون از اتاق درستان را می نویسید؟  
برای اینکه هوا خیلی خوب است. (هوا واقعا خوب است.)



چرا به دور نگاه می کنی؟  
برای اینکه من به دنبال هدیه می گردم.



چرا به بازار رفتی؟  
برای خرید انگشتر طلا رفتم.



چرا شما خوشحالید؟  
زیرا مادر مسابقه برنده شدیم.

ترجمه کنید صفحه ۷۹

۱- تو به مردم ستم نمی کنی.

۲- چرا تکلیف هایت را نمی نویسی؟





التمرین الأول صفحه ۷۹

- ۱- پزشک برای فاطمه خانم در نسخه قرص نوشت. نادرست
- ۲- خانواده آقای فتاحی به عراق مسافرت کردند. درست
- ۳- فاطمه خانم در سن هفتاد سالگی است. نادرست
- ۴- این خانواده اهل ایرانشهر هستند. نادرست
- ۵- آقای فتاحی آهنگر است. نادرست

التمرین الثاني صفحه ۸۰



چه چیزی بازی می کنید؟  
تنیس روی میز بازی می کنیم.



کجا می روید؟  
به بالای کوه می رویم.



ای پسران کجا خواهید رفت؟  
چند دقیقه بعد به رودخانه خواهیم رفت.



ای دختران چه کاری می کنید؟  
دو کتاب از کتابخانه می گیریم.

التمرین الثالث صفحه ۸۱

- ۱- البته خداوند به عدل و نیکی فرمان می دهد (يَا مُرُّ)
- ۲- آیا پس دیدید آبی را که می نوشید (تَشْرَبُونَ)
- ۳- آیا شما آن را می آفرینید یا ما آفریننده آن هستیم (تَخْلُقُونَهُ)



۴- ای کشاورزان آیا میوه ها را برای فروش جمع نمی کنید (تَجْمَعُونَ)

۵- ای همشاگردی هایم ، بعد دوهفته کجا می روید (تَذْهَبِينَ)

التمرینُ الرَّابِعُ صفحه ۸۱

تُكْذِبَان	دروغ می گوید	لا تَكْذِبَان	دروغ نمی گوید
مَا نَدَمْتُ	پشیمان نشدم	لا أُنَدِمُ	پشیمان نمی شوم
مَا حَزَنْتُ	غمگین نشدی	لا تَحْزَنُ	غمگین نمی شوی
شَرَحْتُ	شرح دادید	لا شَرَحْتُ	شرح ندادید

تَخْدِمُونَ	خدمت می کنید	لا تَخْدِمُونَ	خدمت نمی کنید
رَحِمْتُمَا	رحم کردید	تَرَحَّمَانِ	رحم می کنید
عَمِلْنَا	کار کردیم	سَوْفَ نَعْمَلُ	کار خواهیم کرد
فَرِحْتُ	شاد شدم	تَفْرَحِينَ	شاد می شوی

التمرین الخامس صفحه ۸۲

۱- آیا شما دیروز لباس هایتان را شستید؟ (غَسَلْتُمْ)

۲- ای دختران آیا غذا می پزید؟ (تَطْبَخَانِ)

۳- چه می کنی؟ دنبال کلید اتاق می گردم (أَبْحَثُ)

۴- آیا درس را می فهمید؟ بله می فهمیم، درس آسان است (نَفْهَمُ)

۵- کجا می روید؟ به سازمان حج و زیارت می رویم (نَذْهَبُ)

التمرین السادس صفحه ۸۲

مرّة	۱- چند بار به کربلا سفر کردی؟
لِزِيَارَةِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ	۲- چراهه مکه می روی؟
نَعَمْ أَعْرِفُ	۳- آیا زبان عربی را می دانی؟
أَرْبَعُ نَفَرَاتٍ	۴- تعداد افراد خانواده ات چند تاست؟
الْكَتُبُ وَالْقَلَمُ	۵- در کیفیت چیست؟





نور السَّمَاء صفحه ۸۳

-به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نمی دانم.

-خداوند برای مردم مثالهایی می زند و خدا به همه چیز داناست.

-و خداوند می داند و شما نمی دانید.

القرانیات صفحه ۸۴

۱- کدام زن است که اسمش در قرآن آمده است و چند بار اسمش آمده است او مریم دختر عمران است در قرآن ۳۴ بار آمده است.

۲- اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شده است کدام است؟ آیات اول سوره علق

۳- اولین پیامبری که با قلم نوشت چه کسی بود؟ او حضرت ادريس بود.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





درس هفتم عربی هشتم

أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ... (زمین خدا وسیع است) صفحه ۸۷ و ۸۹

تعدادی از آهو ها در جنگلی بین کوه ها و رود ها بودند.

در روزی از روزها پنج گرگ به آهو ها حمله کرد.

آهوی اول: خدایا چه کار کنیم؟

آهوی دوم: نمی توانیم دفاع کنیم.

آهوی کوچک با خودش گفت: راه حل چیست؟ واجب است فکر کنیم. موفق خواهیم شد.

آهوی کوچک گنجشکی را دید و از او پرسید: آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری است؟

گنجشک جواب داد: نه

آهوی کوچک ناامید نشد. کبوتری را دید از او پرسید ای مادر جوجه ها، آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری غیر از دنیای ما وجود

دارد؟ از او هم همان جواب را شنید.

آهو هدهد را دید و از او پرسید: آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری غیر از دنیای ما وجود دارد؟

هدهد جواب داد: بله

آهو از کوه بلند بالا رفت و بر روی آن رسید و جنگل وسیعی را دید.

سپس برگشت و به پدران آهو ها گفت:

آیا می دانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

و به مادران آهو ها گفت: آیا می دانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

آهوی اول با خشم گفت: چگونه این حرف را می گویی؟

و آهوی دوم گفت: مثل اینکه تو دیوانه ای!

و آهوی سوم گفت: او دروغ می گوید.





و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می گویی.

رئیس آهو ها حرف او را قطع کرد و گفت :

او راستگوست! دروغ نمی گوید؛ وقتی که من کوچک بودم پرنده عاقلی به من گفت پشت کوهها دنیای دیگری است و من آن را به رئیس مان گفتم اما حرفم را قبول نکرد و خندید همانطور که شما می دانید من همیشه صلاح شما را می خواهم پس باید مهاجرت کنیم همگی به بالای کوه رفتند و دنیای جدیدی را یافتند و بسیار شاد شدند.

الفعل المضارع (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ) صفحه ۹۰



ای دختران چه کار می کنید؟  
خانه می سازیم.



ای مردان کجا می روید؟  
ما برای دفاع از میهن به مرزها می رویم.



ای خانم ها به کجا می روید؟  
ما به چشمه آب می رویم.



ای هم کلاسی ها کی تنیس روی میز بازی می کنید؟  
بعد از چند دقیقه بازی میکنیم.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید





## مکالمه دونفره صفحه ۹۱

پاسخ ترجمه کنید:

یاری خدا چه وقت است بدانید که همانا یاری خدا نزدیک است.

۱- تکالیفت را چه وقت می نویسی؟	فِي النَّهَارِ (در روز)
۲- چه وقت به مدرسه رسیدی؟	قَبْلَ سَاعَةٍ
۳- چه وقت از مدرسه خارج می شوی؟	بَعْدَ سَاعَتَيْنِ
۴- چه وقت به آنجا برمی گردی؟	سَمَاء

## فن ترجمه صفحه ۹۲

- ۱- زنان غذای سفر را می پزند.
- ۲- خواهرانم از خانه پدر بزرگم برگشتند.
- ۳- دو بازیکن از میدان مسابقه خارج می شوند.

## التمرین الأول صفحه ۹۳

- ۱- آهوی کوچک پشت کوه خانه های کشاورزان را دید نادرست
- ۲- رئیس آهو ها سخن آهوی کوچک را قبول کرد درست
- ۳- آهوی کوچک گفت باید فکر کنم درست
- ۴- بار اول آهو از هدهد پرسید نادرست
- ۵- تعداد گرگ ها پنج تابود درست

## التمرین الثاني صفحه ۹۳

- ۱- در آن برای شما میوه های زیادی است و از آن ها می خورید.
- ۲- گفتند چه کسی این کار را با خدایان ما کرده است.
- ۳- به درستی که ما قرآن را عربی قرار دادیم.





۴- و پروردگارت به کسی ستم نمی کند.

التمرین الثالث صفحه ۹۴

۱- تو زبان عربی را خوب میدانی و خواهرت مانند تو نمی داند. (تَعْرِفُهَا)

۲- همکلاسی ات لباس های پاییزی پوشیده است پس چرا تو نمی پوشی؟ (تَلْبَسُ)

۳- تو دیروز احساس ناراحتی کردی و امروز احساس شادمانی می کنی. (تَشْعُرِينَ)

۴- من احساس سردرد می کنم به درمانگاه خواهیم رفت. (أَشْعُرُ)

التمرین الرابع صفحه ۹۴

می خندم	أَضْحَكُ	خندیدم	ضَحِيتُ
می اندازی	تَقْدِفِينَ	انداختی	قَدَفْتِ
نمی برد	لا تَقْطَعُ	می برد	تَقَطَّعُ
پوشیدند	لَبِسْتُمْ	می پوشید	تَلْبَسُونَ
نمی پذیرد	لا تَقْبَلَانِ	می پذیرد	تَقْبَلَانِ

یاری نمی کنی	لا تَنْصُرُ	یاری می کنی	تَنْصُرُ
نزدیک می شود	يَقْرُبُ	نزدیک شد	قَرَّبَ
فرمانروایی می کنیم	مَمْلِكُ	فرمانروایی کردیم	مَلَكْنَا
خواهید شست	سَتَغْسِلُنَّ	شستید	عَسَلْتُنَّ
خواهد فهمید	سَوْفَ يَفْهَمُ	می فهمد	يَفْهَمُ

کنز الحکمة (گنج حکمت) صفحه ۹۵

۱- همانا همانا نیازهای مردم به شما نعمتی از خداست.

۲- حسادت خوبی ها را می خورد همانطور که آتش هیزم را می خورد.

۳- امانت روزی می آورد و خیانت فقر می آورد.





۴- همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۵- از دست دادن فرصت موجب اندوه است.

این المستشفی؟ (در بیمارستان) صفحه ۹۶

بیمارستان امام حسن کجاست؟

در آن خیابان

و آیا آنجا داروخانه نزدیک بیمارستان است؟

بله داروخانه در خود بیمارستان است.

آیا بیمارستان دور است؟

نه نزدیک است تقریباً دو کیلومتر بعد

زحمتتان شد .

نه زحمت نیست بلکه رحمت است

خداوند پدر و مادرت را بیمارزد

و همچنین والدین شما را

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.







درس هشتم عربی هشتم

الإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ (اعتماد به خود) صفحه ۹۸ و ۱۰۰

گنجشکی در مزرعه بزرگی از لانه اش خارج می شود و به جوجه هایش می گوید:

ای جوجه های من باید مراقب حرکات صاحب مزرعه باشید. چه می گوید و چه می کند؟

جوجه اول: صاحب مزرعه با همسایه اش به سوی درختان می روند و میان آن ها می نشینند.

جوجه دوم: همسر صاحب مزرعه و همسایه اش به سوی همان درختان می روند.

جوجه سوم: آقایان همسایه ها در سمت راست می نشینند.

جوجه اول: خانم های همسایه در سمت چپ می نشینند.

جوجه دوم: چه خبر است چه کار می کنند آیا این یک مهمانی است؟

جوجه سوم: زنان غذا و نان می آورند و کنار سفره می نشینند.

جوجه اول: مردان هیزم جمع می کنند و آب می آورند و بعد از آن بازی می کنند.

مادر بر می گردد از جوجه هایش می پرسد: چه اتفاقی افتاد؟

جوجه دوم: صاحب مزرعه برای جمع کردن گندم از همسایگانش کمک خواسته است باید فرار کنیم.

مادر جوجه ها: نه در لانه خود در امان هستیم.

در روز دوم گنجشک از لانه خارج می شود و به جوجه هایش می گوید:

مراقب باشید از دست دادن فرصت مایه اندوه است.

بعد از برگشتن مادر، جوجه سوم گفت:

صاحب مزرعه برای جمع کردن محصول از خویشاوندانش کمک خواسته است باید فرار کنیم.

مادر جوجه ها: ما در امنیت هستیم.

در روز سوم:

همکلاسی پر از گام به گام های به روز و خفنه، برای دانلود گام به گام سایر

دروس به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید



بهترین ها را از ما بخواهید

جوجه ها : شنیدیم که صاحب مزرعه می گوید فردا خودم جمع کردن گندم را شروع خواهم کرد.

مادر جوجه ها ترسید و گفت: بر ما واجب است که همین حالا مهاجرت کنیم.

جوجه ها از مادرشان می پرسند: چرا باید فرار کنیم؟ او تنها و بدون دوست است.

مادر : وقتی که انسان به غیر از خود اعتماد می کند کارمهمی انجام نمی دهد و زمانی که بر خودش اعتماد می کند بر هر چیزی قادر است.

فعل مضارع (۴) صفحه ۱۰۱



چه چیزی را بالا می برند؟  
آنها جایزه هایشان را بالا می برند.



چه کاری می کنند؟  
آنها گندم درو می کنند.



آیا آنها در دفتر می نویسند؟  
نه آنها به دو تصویر نگاه می کنند.



کجا می روند؟  
به خانه خود می روند.

بدانیم صفحه ۱۰۲

پاسخ سوال:

چون در زبان فارسی مونث و مذکر برابر هستند همپنین مثنی وجود ندارد.



فن ترجمه صفحه ۱۰۲

پاسخ به سوال:

با توجه به ضمیر موجود در جمله

ترجمه جملات:

- ۱- این دو دختر تکالیفشان را می نویسند؛ آیا شما هم می نویسید؟
- ۲- آن دو همسایه تمیز حیاط خانه را می شویند. آیا شما هم آن دو را می شناسید؟

التمرین الاول صفحه ۱۰۳

۱- چرا مزرعه دار کمک می خواست؟ برای جمع کردن محصول گندم

**\* (لَجَمَعَ مَحْصُولِ الْقَمْحِ)**

۲- چه وقت انسان توانایی هر چیزی را دارد؟ زمانی که به خودش اعتماد می کند.

**\* (عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ)**

۳- مادر جوجه ها در کدام روز از صاحب مزرعه ترسید؟ هنگامی که خودش شروع به جمع کردن محصول کرد.

**\* (عِنْدَمَا بَدَأَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولِ بِنَفْسِهِ)**

۴- جوجه ها چند تا بودند؟ سه تا

**\* (ثَلَاثَةٌ)**

۵- آیا مزرعه کوچک بود؟ نه بزرگ بود.

**\* (لَا؛ كَانَتْ كَبِيرَةً)**

التمرین الثاني صفحه ۱۰۴

۱- بدان که وعده خدا حق است اما بیشتر آنها نمی دانند. **(لَا يَعْلمون)**

۲- این دو کشاورز در بهار برنج می کارند. **(يَزْرَعَانِ)**

۳- آن همسایه ها از مهمانی برمی گردند. **(يَرْجِعْنَ)**

۴- این دو دختر بچه میان درختان بازی می کند. **(تَلْعَبَانِ)**

۵- این دو همسایه به مهمانی می روند. **(تَذْهَبَانِ)**

۶- به کجا می روید ای همسایگان؟ **(تَذْهَبَانِ)**





التمرین الثالث صفحہ ۱۰۵



آن رزمندگان نامه هایی می نویسند. این رزمندگان خانم برای کمک به وطن شان خدمت می کنند.



چه می کارند؟ گندم می کارند. چه چیزی جمع می کنند؟ پرتقال جمع می کنند.

التمرین الرابع صفحہ ۱۰۶

بر نمی گردند	لايرِجَعُونَ	برنگشتند	ما رَجَعُوا
می توانند	يَقْدِرَانِ	توانستند	قَدَرَا
راست گفتند	صَدَقْنَ	راست می گویند	يَصْدُقْنَ
دستور خواهند داد	سَوْفَ يَأْمُرَانِ	دستور می دهند	يَأْمُرَانِ
نگاه نمی کنید	لَا تَنْظُرَنَّ	نگاه نکردید	مَا نَظَرْتُمْ

التمرین الخامس صفحہ ۱۰۶

۱. این دو دختر عاقل تکالیفشان را می نویسند. (تَكْتُبَانِ)
۲. دانش آموزان فردا به کلاس برو خواهند گشت. (يِرْجَعُونَ)
۳. دو مسافر دیروز به هتل رفتند. (دَهَبَا)
۴. دانش آموزان دختر در مورد علم شیمی می پرسند. (يَسْأَلْنَ)





## التمرین السادس صفحه ۱۰۶

لا	آیا لانه گنجشک در مدرسه شما است؟
خَمْسَةَ	چه تعداد معلم داری؟
لِتَعْلَمَ	برای چه در مدرسه حاضر می شوید؟
بعداظهر	چه وقت به خانه برمی گردی؟
فِي الْمَطْعَمِ	کجا غذا می خوری؟

## نورالسماء (نور آسمان) صفحه ۱۰۷

- ۱- همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم. آن ها را سجده کنان بر من دیدم.
- ۲- عزت و بزرگی از آن خدا و پیامبرش مومنان است اما منافقان نمی دانند.
- ۳- کسی که در آسمان ها و زمین است غیب را نمی داند به جز خدا.
- ۴- قطعا مومنان برادرند.

## القرآنیات صفحه ۱۰۸

- ۱- اولین مکانی که در آن قرآن نازل شده است؟ غار حرا در مکه مکرمه
- ۲- کدام سوره به مادر قرآن معروف است؟ سوره حمد
- ۳- اولین کشته شده در زمین چه کسی بود؟ چرا؟ هابیل بود به خاطر حسادت برادرش قابیل کشته شد.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.





درس نهم عربی هشتم

السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ (سفر علمی) صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲

دانش‌آموزان مدرسه شادند چراکه آن‌ها برای گردش علمی از شیراز به یاسوج خواهند رفت.

خانم مدیر: می‌خواهیم پنجشنبه هفته آینده به گردش علمی برویم.

شما باید بعضی کارها را مراعات کنید:

-تهیه کردن لباس‌های مناسب؛ زیرا هوا در یاسوج سرد است.

-تهیه کردن حوله کوچک و بزرگ و مسواک و خمیردندان.

-حاضر شدن ساعت هفت صبح در حیاط مدرسه.

دانش‌آموزان از مدیر می‌پرسیدند:

اولی: ای خانم من، به کجا می‌رویم؟

مدیر: به یاسوج و اطرافش.

در این استان جنگل‌ها و رودخانه‌ها و گل‌ها و بوستان‌ها و چشمه‌ها و آبشارهای زیبایی است.

دومی: چند روز می‌مانیم؟

خانم مدیر: سه روز از پنجشنبه تا شنبه.

سومی: کی برمی‌گردیم؟

خانم مدیر: صبح روز یکشنبه در ساعت هفت.

چهارمی: با چه چیزی به آن‌جا می‌رویم؟

خانم مدیر: با اتوبوس.

پنجمی: کجا غذا می‌خوریم صبحانه و نهار و شام؟

خانم مدیر: در رستورانی تمیز و خوب.

همکلاسی پر از گام به گام‌های روز و خفته، برای دانلود گام به گام سایر

دروس به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید



بهترین‌ها را از ما بخواهید

ششمی: آیا تلفن همراه برای ما مجاز است؟

خانم مدیر: بله.

هفتمی: برای استراحت کجا می‌مانیم؟

خانم مدیر: در هتل معلمان.

هشتمی: آیا آن‌جا ورزشگاه دارد؟

خانم مدیر: بله؛ سه تا ورزشگاه وجود دارد.

همگی برای این گردش زیبا خوشحال شدند.

الفِعْلُ الْمُضَارِعُ (۴) صفحه ۱۱۲



چه کار می‌کنند؟  
آن‌ها قرآن گوش می‌کنند



چه کار می‌کنند؟  
آن‌ها قرآن گوش می‌کنند



چه کار می‌کنند؟  
آن‌ها برگ چای جمع می‌کنند



چه کار می‌کنند؟  
آن‌ها گل‌ها را جمع می‌کنند



بدانیم صفحه ۱۱۴

- ۱- حالت چطور است؟ - من خوبم  
۲- چگونه رسیدی؟ - به سرعت



دانش آموز چگونه سوال می پرسد؟  
با شادمانی سوال می پرسد



چگونه پسر از کلاس خارج می شود؟  
به سرعت خارج می شود

فن ترجمه صفحه ۱۱۴



آیا لغت نامه عربی داری؟  
بله، دارم



آیا خودکار آبی داری؟  
نه، خودکار سبز دارم

التمرین الأول صفحه ۱۱۵

- ۱- دانش آموزان کی به گردش می روند؟ یوم الخمیس فی ساعة السابقة (روز پنجشنبه ساعت هفت صبح)  
۲- آیا تلفن همراه در سفر مجاز است؟ نعم، الجوّال مَسْمُوحٌ فی السفر (بله، موبایل در سفر مجاز است)  
۳- دانش آموزان از کدام استان هستند؟ مِنْ مُحَافِظَةِ شِیرَاز (از استان شیراز هستند)  
۴- دانش آموزان به کجا می روند؟ الی یاسوج (به یاسوج می روند)





- ۵- با چه چیزی به گردش می‌روند؟  
بالحاملة (با اتوبوس)
- ۶- هوای یاسوج چگونه است؟  
بارد (سرد است)
- ۷- این سفر چند روز است؟  
ثلاثة الايام (سه روز)

التمرین الثانی صفحه ۱۱۶



این دو دانش‌آموز دختر از کلاسشان خارج می‌شوند



این دو دانش‌آموز پسر از کلاسشان خارج می‌شوند



آن دانش‌آموزان دختر به سفر می‌روند



آن دانش‌آموزان پسر به سفر می‌روند

التمرین الثالث صفحه ۱۱۷

- ۱- قطعاً خداوند به مردم ظلم نمی‌کند اما مردم خودشان ستم می‌کنند.
- ۲- و دیدی که مردم در دین خدا وارد می‌شوند.
- ۳- مومنان در زندگی راست می‌گویند و دروغ نمی‌گویند.
- ۴- دو خواهر حرف خانم معلم را شنیدند و آن‌ها به آن عمل می‌کنند.
- ۵- برای شام سر سفره غذای زیادی داریم آن را با هم می‌خوریم

التمرین الرابع صفحه ۱۱۷

- ۱- وسیله‌ای برای حفظ سلامتی دندان‌ها : الفرشاة (مسواک)
- ۲- مجموعه‌ای از شهرها : المحافظة (استان)
- ۳- علت زیبایی بهار : الازهار (گل‌ها)



الفطور (صبحانه)

۴-غذای صبح :

العش (لانه)

۵-خانه پرنده:

التمرین الخامس صفحه ۱۱۸

۱- حال پدر و مادر چطور است؟	بَخیر (خوب است)
۲- چرا تو آن جا هستی؟	المراقِبَة (برای مراقبت کردن)
۳- آیا شهر کرج از تهران دور است؟	لا (نه)
۴- آیا لغت‌نامه عربی داری؟	نَعَم (بله)
۵- در روزهای نوروز کجا رفتی؟	الی الشیراز (به شیراز)

التمرین السادس صفحه ۱۱۹



فراخ  
(جوجه ها)



شَلال  
(آبشار)



حامِلة  
(اتوبوس)



عصفور  
(گنجشک)



أذهار  
(گل ها)



شای  
(چای)





عُش  
(لانه)



مِنْشَفَةٌ  
(حوله)



فَرشاة  
(مسواک)



حَمَامَةٌ  
(کبوتر)



فَرَس  
(اسب)



خاتم  
(انگشتر)

التمرین السابع صفحه ۱۲۰

۱- حدث	۲- مسموح	۳- عندهم	۴- غذاء	۵- ثالث	۶- خائف
۷- ملاعب	۸- اقدام	۹- هناك	۱۰- يصدق	۱۱- عصفور	۱۲- محافظة
۱۳- شلال	۱۴- سادس	۱۵- شای	۱۶- منشفة		

رمز: حُسْن - الخُلُق - نِصْف - الدين

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

نورُ السَّمَاءِ (روشنایی آسمان) صفحه ۱۲۱

۱- کسی که در آسمان‌ها و زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت بر او سجده می‌کنند.

۲- کسانی که با خدا، خدای دیگری قرار می‌دهند، خواهند دانست.

۳- بدانید که دوستان خدا ترسی ندارند و اندوهگین نمی‌شوند.

۴- قطعاً خداوند همه گناهان را می‌بخشد.

۵- همانا خدا با ماست.





تحقیق کنید صفحه ۱۲۲

بقره (گاو ماده)

الابل (شتر)

النحل (زنبور عسل)

النمل (مورچه)

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.

Hamkelasi.ir



بهترین ها را از ما بخواهید

همکلاسی پر از گام به گام های به روز و خفنه ، برای دانلود گام به گام سایر دروس به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید





درس دهم عربی هشتم

المراقد الدینیة (مرقد های شریف) صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹

مرقد امام اول در نجف اشرف است.

مرقد امام دوم و چهارم و پنجم و ششم در قبرستان بقیع است.

مرقد امام سوم در کربلا است مرقد امام هفتم و نهم در کاظمین است.

مرقد امام هشتم در مشهد است در استان خراسان رضوی است.

مرقد امام دهم و یازدهم در سامرا است و امام دوازدهم زنده است و از نظر غایب است.

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.

Hamkelasi.ir





بدانیم صفحه ۱۳۰  
الأعدادُ الترتیبیَّة (اعداد ترتیبی)

الاول یکم	الاولی یکم	السابع هفتم	السابعه هفتم
الثانی دوم	الثانیه دوم	الثامن هشتم	الثامنه هشتم
الثالث سوم	الثالثه سوم	التاسع نهم	التاسعه نهم
الرابع چهارم	الرابعه چهارم	العاشر دهم	العاشره دهم
الخامس پنجم	الخامسه پنجم	الحادی عشر یازدهم	الحادیه عشره یازدهم
السادس ششم	السادسه ششم	الثانی عشر دوازدهم	الثانیه عشره دوازدهم

التمرین الاول صفحه ۱۳۰

- ۱- جایزه نفر اول ، جایزه طلایی است. الاول
- ۲- یازدهمین ماه سال ، ماه بهمن است. الحادی عشر
- ۳- فصل سوم سال ، فصل پاییز است. خریف
- ۴- روز ششم در هفته ، روز پنجشنبه است. الخمیس
- ۵- ما در این سال کلاس هشتم هستیم. الثامن

برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.



التمرین الثانی صفحه ۱۳۱

اولین میوه انار است و دومین انگور و سومین سیب و چهارمین موز و پنجمین پرتقال و وششمین خرماست.



التمرین الثالث صفحه ۱۳۲

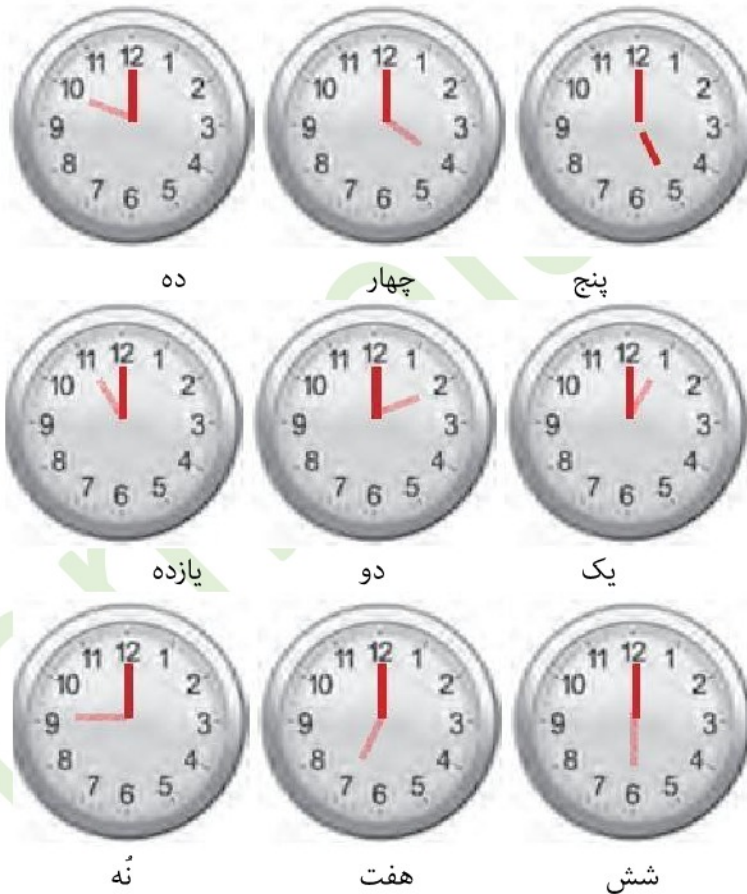
- |                    |                                       |
|--------------------|---------------------------------------|
| العریبه(عربی)      | ۱- زبان جهانی در سازمان ملل متحد      |
| الربیع(بهار)       | ۲- فصل شکوفه‌ها و آغاز فصل‌های سال    |
| المعجم(لغت‌نامه)   | ۳- کتابی که معانی کلمات را شرح می‌دهد |
| الدموع(اشک‌ها)     | ۴- قطره‌های روان از دو چشم            |
| المسجد(مسجد)       | ۵- مکان نماز نزد مسلمانان             |
| الفطور(صبحانه)     | ۶- غذایی که در صبح می‌خوریم           |
| المستوصف(درمانگاه) | ۷- مکان برای معاینه بیماران           |
| السنة (سال)        | ۸- دوازده ماه                         |

همکلاسی پر از گام به گام‌های به روز و خفنه ، برای دانلود گام به گام سایر دروس به وب سایت ما به نشانی Hamkelasi.ir مراجعه کنید

التمرین الرابع صفحه ۱۳۲

خَيْرُ الْأُمُورِ... اندازه نگه دار که اندازه نکوست      سكوْتُ الْأَسَانِ... زبان سرخ سرسبز می دهد بر باد.      أَلْعَالِمِ يَلَا...عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.      مَنْ زَرَعَ السِّدْوَانَ...درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد  
 زَيْنَ الْبَاطِنِ خَيْرٌ... تن آدمی شریف است به جان آدمیت

التمرین الخامس صفحه ۱۳۳



برای دانلود گام به گام دروس دیگر به وب سایت ما به نشانی [Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir) مراجعه کنید.

